

اکثر بناهای با عملکرد عمومی در بافت های تاریخی ، فرهنگی و قدیمی کشورمان از میان رفته و حتی متاسفانه نام آنها نیز به تدریج در یادها فراموش شده اند . مسجد ، حسینیه ، حمام ، تکیه ، آب انبار ، کاروانسرا و چند بنای معدود دیگر ، تنها بازماندگان این آثار به شمار می روند . حتی برای دانشجویان رشته معماری نیز ، نام بسیاری از این بناها ناآشناست ، گویی وجود نداشته اند . این نوشتار در نخستین گام می‌کوشد ، حداقل در یک مجموعه ، نام بناهای با عملکرد عمومی در بافت های قدیمی (حتی به صورت ناقص) را ارائه دهد . این اقدام ، جدا از جنبه ضبط مآثر فرهنگی ، نه تنها بیانگر فهرست نسبتاً جامعی از این گونه بناها به شمار می رود ، بلکه به نوبه خود جهت شناخت نام بناها ، مددیار علاقمندان و دانشجویان در مطالعه متون قدیمی ، اسناد تاریخی ، وقف نامه ها ، اسناد بینه و است .

ناگفته نماند که یک نظر اجمالی به این فهرستواره ، در بادی امر نشان می‌دهد که بناهای مذکور علاوه بر ایفای نقش و عملکرد عمومی در جهت رفع نیازهای عاجل ساکنین مجتمع های زیستی ، دارای دو وجه متمایز هستند :

۱- ارائه خدمات رایگان به مردم فاقد تمکن مالی .

۲- ارائه خدمات رایگان به مسافران (ابن السبیل) .

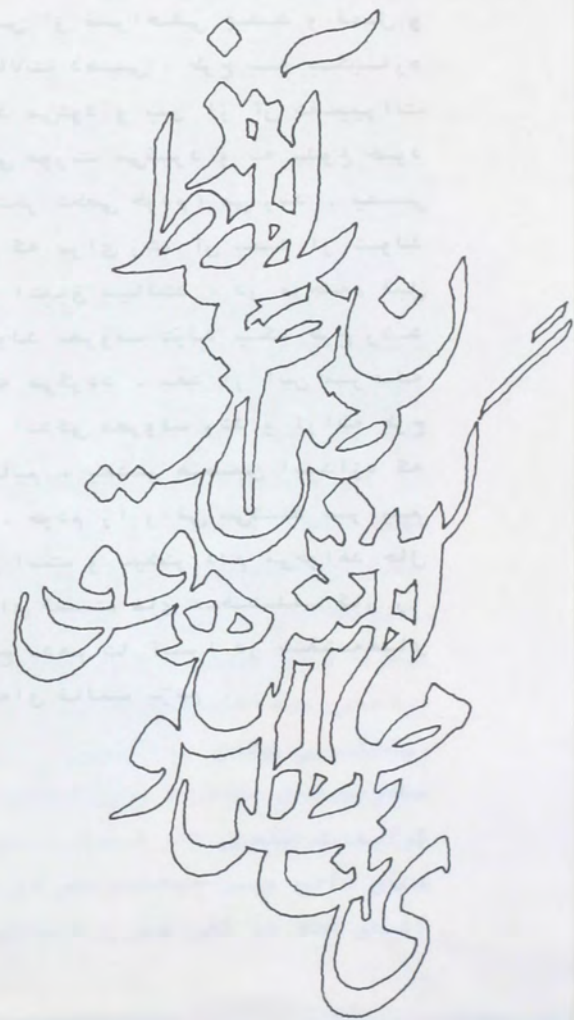
متاسفانه مجتمع های زیستی امروزی از این دو جهت در ضعف فراوان بسر می‌برند که بررسی علل این امر نیاز به نگارش مقاله ای جداگانه دارد .

فهرستواره نام بناهای

بهرام قدیری

تدریج فهرستی را فراهم آورد . اذعان کامل دارد که این نخستین گام با کاستی های فراوان روبروست . با این حال ، امید فراوان دارد با ارشاد اصحاب فن ، این فهرست کامل گردد . بدیهی است بیان تصویری و ذکر جزو فضاها در مورد هر یک از این بناها ، کاری مستقل و فراخور صرف زمان است که با تحقق آن ، باامال مقدمات تهیه فرهنگ معماری

تاکنون فهرست جامعی از مجموعه بناهای متنوعی که در بافت های تاریخی مجتمع های زیستی ایران وجود داشته ، تدوین و ارائه نگردیده است . غنا و فراوانی این بناها ، نگارنده را واداشت تا براساس مطالعه منابع متعدد جغرافیای تاریخی ، سفرنامه ها ، لغت نامه ها و کتب تخصصی که در مورد معماری و شهرسازی ایران تهیه شده است ، به

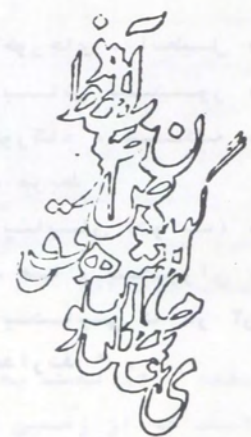


قدیم ایران

ایران فراهم خواهد شد .
در مقاله حاضر ، ابتدا در فهرست
شماره یک ، به ترتیب حروف
الفبا ، بناها با ذکر معادلات و
تعریف کوتاه آن ارائه گردیده
است و سپس در فهرست شماره دو ،
به ترتیب حروف الفبا ، به تفکیک
هر واژه ، کلیه بناها و معادلات
آن در دسترس قرار گرفته است .
این فهرست امکان دستیابی مستقل به

هر واژه را فراهم می آورد . برای
مثال جهت پیدا کردن معنی
" دارالرضاعه " باید به فهرست
شماره دو مراجعه کرد . در این
فهرست در مقابل واژه دارالرضاعه ،
کلمه شیرخوارگاه نوشته شده است .
در فهرست شماره یک ذیل کلمه
" شیرخوارگاه " توضیحات لازم آمده
است .

○ فهرست شماره ۱



آ

آب انبار : آبدان ، آبگاه ،
آبگیر ، برخ ، برکه ، تالاب ،
مصنع ، منعه .
" بنائی جهت ذخیره کردن آب که
معمولاً در زیر زمین استقرار
می یابد " .
آتشکده : آتشگاه ، آتشک ، بیت
الکفار ، بیت النار ، بیت
النیران ، کنشت .
" پرستشگاه مغان ، جای آتش

افروختن " .

آرامگاه : آرامگه ، تربت ، تربت
خانه ، خوابگاه ، دارالقرار ، قبر ،
قرار ، قرارگاه ، کور ، مرقد ،
مدفن ، مضجع ، مقبره .
" جائی که در آن کسی را دفن
کرده اند ، محل آسایش ، جای امن ،
مامن ، قبر ، کور ، مرقد و مدفن " .

آستانه : به فارسی " کریاس " و
به عربی " اسکنه " گویند . درگاه
و ساحت و مجازاً به بارگاه سلاطین
و ملوک گفته می شود .

آسیاب : آسیا ، رحا ، رحی ،
طاحون ، طاحونه ، طحانه ، مطحنه .
" آسیاب مرکب از دو جزء " آس " و
" آب " است " آس " دو سنگ
گرد و پخ برهم نهاده را گویند .
آسیاب ، آسی است که به قوت آب
گردد . باد آس یا آسیاب بادی ،
آسی است که به قوت باد گردد .
خرآس ، ستورآس ، گاوآس ، آسی
است که به قوت چهار پایان گردد
که آن را دولاب نیز گویند " .

آشپزخانه عمومی : آش خانه ،
باورچیخانه ، تنور خانه ،
دارالطبخ .
" بنائی جهت پخت و پز غذا برای
موم که معمولاً در مراسم مذهبی
مورد استفاده واقع می شود " .

آغل : آغول ، آغیل ، بوم کن ، بوم کند ، بیکنند ، چپر ، زاغه ، شبغا ، هبغاز ، شبفاو ، شب گاه ، شوغا ، شوغاز ، شوگاه ، کمراه ، کنده ، مربض .

" بنایی که به اسکان کوسفندان و کاوان و دیگر چهارپایان به هنگام شب در خانه یا کوه اختصاص دارد و بیشتر آن را در زمین احداث میکنند . "

آکروپیل : اکروپلیس .
" قلعه دفاعی شهر را گویند .
همچنین رجوع کنید به کهندژ " .

ا

ارک : ارگ .
" هر قلعه که مسکن پادشاه و حاکم باشد . هر قلعه که درون شهر باشد . هر قلعه که درون قلعه دیگری باشد . همچنین به قلعه کوچک در میان قلعه بزرگ نیز ارگ گویند . "

استخر : آبگیر .
" بنایی جهت جمع آوری آب به منظور کشاورزی و شرب اهالی . "

استودان : برج خاموشی ، دخمه و مقبره کبران ، ستودان ، قبرستان کبرها ، کورخانه ترسایان ، ناوس ، ناووس .
" استودان از دو جزء استو به معنی

استخوان و دان به معنی ظرف تشکیل شده است . بنایی است که زردتشی‌ها ، مرده خود را در آن قرار میدهند . کورستان مفان . "

اسکله : اسقاله ، اسقاله ، بارانداز ، خور ، سقاله ، لنگرگاه ، لنگرکه ، مرفاء .
" پل متحرک و یا ثابت بین ساحل دریا و وسایط نقلیه دریایی را گویند . "

اصطبل : آخور ، آخورجای ، اصطبل ، پاکاه ، جای باش ستور ، دارالتعلیف ، ستورگاه ، شنکله ، شولیده ، طویله ، مربوط .

" جایگاه چهارپایان (دواب) ، مکان بستن اسب ها و ستوران .
آخور حیوانات . بنایی که در آن چارپایان را نگاهدارند . "

امامزاده : " مقبره‌ای که در آن امامزاده (فرزند یا نواده یکی از امامان دوازده گانه) مدفون است . "

انبارهای عمومی : انبارخانه ، کالانبار ، انبار کالا .
" جای نگهداری کالا و ارزاق . محلی که بازرگانان در آن متاع و غله خود را نگهداری میکنند . "

انجمن : محفل ، گرد آمدنگاه .
" بنایی جهت برگزاری مجلس و مجمع که گروهی از مردم با هدف خاصی آن

را تشکیل میدهند . "

ب

بادشکن های بادگیر : " حائل هایی که جهت جلوگیری از نفوذ باد ایجاد مینمایند . "

بارگاه : بارکه ، دربخانه ، درخانه ، درگاه ، رزاق خانه ، خرگاه ، قبه .

" خانه و خیمه پادشاهان و سلاطین که لشکر و سپاه و غیره به سلام آیند . مکان بار دادن شاهان . "

بازار : آباکاری ، سوق ، واکار .
" محل داد و ستد (بازارگاه) . محل خرید و فروش کالا ، خوراک و پوشاک که در گذشته عمدتاً شامل بازارهای : صافان ، کاغذیان ، کفش دوزان ، کلاهدوزان ، ریسمان فروشان ، بزازه‌ها ، صباغ ها ، مسگران ، شمیرگران ، پسته شکنان ، صرافان ، عطارها ، گیوه دوزان ، علافان ، چهارپایان ، سلاخان ، صابون فروشان ، قصب فروشان ، پرنده فروشان ، خرما فروشان ، همیزم شکنان ، زیت فروشان ، برده فروشان ، مرغ فروشان ، دباغان ، ساج فروشان ، باقلا فروشان ، ماهی فروشان ، دارو فروشان ، روغن فروشان ، حریر فروشان ، زرگرها ، سراج ها ، سنگتراشان ، نعلبندان ، عطر فروشان ، فرش فروشان ، و ...

بوده است .

بازارچه : " محل خرید و فروش کالا ، خوراک و پوشاک در سطح محله " .

بازارهای فصلی : " دکان های موقت که در مقاطع زمانی معین برای عرضه کالا تشکیل و سپس برچیده می گردد " .
باغ : آبسالان ، بستان ، بوستان ، حدیقه ، گلستان .

" محوطه ای است محصور که در آن درختان مثمر ، سبزیجات و امثال آن غرس و زراعت می کنند " .

باغچه : مفر باغ ، باغ کوچک و خرد .

بتخانه : بتستان ، بگستان ، بتکده ، بهار ، بهارخانه ، بهرمین ، بیت الاصنام ، بیت الصنم ، دارالاصنام ، دارالاوشان ، دژهرج ، خانه بت ، صنم خانه ، فرخار ، فگستان ، ناچرمک ، هیکل .

" خانه و مرکز و معبد بت ها که در آن بت ها را نگهداری و ستایش می کنند " .

برج : بنایی است قلعه مانند ، اما بسیار کوچک تر از آن که معمولاً کاربرد دفاعی دارد .

برج دیده بانی : قلعه های کوچک و بلند که بر زوایا و برسر دروازه و مکان های دیگر حصار ایجاد تا از

آنجا به دشمن تیراندازی کنند .
برج هایی که در باروی شهر سازند " .

برف انداز : محلی برای ریختن برف ها که معمولاً در بازارها و مساجد ایجاد می نمایند .

بست : تحصن گاه ، بست خانه .
" پناهگاهی که گنه کاران از بیم مجازات و یا به قصد داد خواهی به آنجا پناه می آورده و متحصن می شده اند . معمولاً در جلو محوطه بست زنجیر می کشیده اند که زنجیر بست نامیده می شد .

اصطبل پادشاهان ، مرقد امامزاده ها ، مساجد بزرگ ، قسمتی از بالاخیابان و پائین خیابان مشهد ، توپ مروارید و ... نمونه هایی از محل های بست بوده اند " .

بقعه : در لغت به معنی پاره زمینی است که از زمین های حوالی خود متمایز و ممتاز باشد . بقعه عمارت و بنایی است که مدفن و مقبره اشخاص خاصی همچون روحانیون معروف ، علما ، زهاد و ... کرده " .

بند : آب بند ، بندگاه ، بندکه ، سد .
" بنایی که در جلوی آب احداث کنند تا مانع جریان آب بشود " .

بندر : بندرگاه ، معبر بحر .
" بندر از دو جز بنه و در ترکیب

شده و در لغت به معنی جای بار و بنه است . محلی است در ساحل دریا و یا رودخانه که جایگاه توقف و بارگیری و بار اندازی وسایط نقلیه دریایی است " .

بوکن : " مسکن موقتی ، سکونت گاه مقنیان که در اثر دور بودن محل سکونت و محل کار ، آنان را ناچار می کرد در بیابان ها و مسیر حفر میله های قنات مسکنی را به صورت موقتی در دل زمین حفر و ایجاد کنند " .

بیت الحکمه : خزانه الحکمه .
" مرکز علمی و فرهنگی که عموماً دارای کتابخانه و سایر مؤسسات تحقیقاتی مربوطه بوده است " .

بیت اللطف : بیت اللطف ، خرابات خانه ، دلال خانه ، زغاو ، فاحشه خانه ، لولی خانه .
" جایگاه زنان بدکاره " .

بیمارستان : بیمارخانه ، بیمارستان ، دارالشفه ، دارالمری ، درمانگاه ، شفاخانه ، مارسان ، مارستان ، مریضخانه ، مستشفی .
" بنایی که اختصاص به مداوای بیماران دارد " .



پادگان : ساخو ، سربازخانه .
 " بنایی که در آن گروهی از سربازان به جهت حفظ و نگهداری جای گزیده باشند . محلی که در آن ، سربازان زندگی میکنند ."

پارکین : فارقین .
 " محلی که در آن آب های ناپاک را گرد آورند ، خندق گونه که برگرد شهر ایجاد می کردند تا آب های آلوده را در آن جمع کنند ."

پاسگاه : قراولخانه ، کشیک خانه ، پاسدارخانه .
 " بنایی بلند که دیده بانان ، پاس بانان ، کشیک چیان (حارسان) شب و روز در بالای آن چشم به راه دشمن باشند ."

پاشیر : زیر زمین کوچکی که شیر آب انبار بر دیوار آن نصب شده است و از آن جا آب بر می دارند .

پایاب : پاکنه ، پادیاو .
 " بنایی که در زیر زمین احداث می شده و به وسیله آن به بن آب می رسیده اند و عموماً برای دستیابی به آب قنات که از زیر مجتمع های زیستی می گذشته ، احداث می شده است ."

پخشاب : آب پخشان ، آب پخشکن ، آب پخشان ، آب پخشکن ، فرزه ، لت ، لله ، مقسم .

" بنایی جهت بخش کردن و تقسیم آب که عموماً بعد از مظهر قنات ، به منظور توزیع آب بین اراضی مزروعی ، احداث می شده است . در برخی از مجتمع های زیستی ، پخشاب در قسمت تحتانی مساجد ، قرار داشته است ."

پرورشگاه : دارالایتام .
 " بنایی که کودکان یتیم را در آن نگهداری و پرستاری می کنند ."

پل : پول ، جسر ، قنطره ، معبر .

" بنایی طاقی شکل که بر روی رودخانه برای عبور سازند ."



تخت گاه : تخت خانه ، تختک .
 " محلی که شاهان بر تخت نشینند و مکانی که تخت شاهی در آن قرار دارد ."

ترک : خندقی را گویند که بر دور حصار و باغ و قلعه و امثال آن کنند .

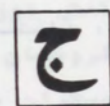
تفرجگاه : تماشاگاه ، گردشگاه .
 " محل و جای گردش و تفریح ."

جایی که برای تفریح بدانجا روند .
 تکیه : "جای تعزیه و روضه خوانی . خانقاه و منزل دراویش و فقرا . جایی که در آن به دراویش و مسافران فقیر طعام رایگان دهند ."

تلمبار : تلیبار ، تلیمبار ، تلیوار .
 " بنایی جهت پرورش کرم ابریشم و نیز نوعی انبار برنج ."

تنبوشه : مجموعه لوله های سفالین که در زیرزمین برای ساختن مجرای آب (آبراهه) بکار می رود .

تنک : " آغلی که از نی برای گاوان سازند ."



جذامی خانه : " بنایی که در آن از جذامی ها نگهداری ، پرستاری و مداوا می کنند ."

جماعت خانه : محل اقامه نماز جماعت .

جوی : نهر .

" مجرای که آب را از آن ، جهت مشروب کردن زمین عبور دهند ."

چاپارخانه : ایستگاه ، پستخانه ،
چرخانه ، یام ، یامخانه .
" منازلی که بر سر راه ایجاد
می‌کرده‌اند و به پیک ها و
نامه برهای دولتی خدمات لازم را
ارائه می‌داده‌اند . ایستگاه پیک ها
و سرویس‌های پستی که در آن برید و
پیک اسب را عوض می‌کردند " .

چاه : بئر ، چال ، مفاک .
" کودی دایره شکل عمیقی که در زمین
جهت بیرون آوردن آب ایجاد
می‌کنند " .

چرخاب : چرخ چاه ، چرخ دولاب ،
چرخ‌های آب کشی ، دولاب ، سیپک .
" محلی که در آن چرخ‌های قرار
می‌داده‌اند تا به وسیله آن ، چرخ ،
آب را از چاه بیرون کشد . معمولا
این چرخ ها به وسیله گاو ، شتر و
یا اسب کار می‌کرده است " .

چشمه : ینبع .
" منبع آب طبیعی . جایی که آب
جوشد و روان شود " .

چله خانه : ریاضتگاه .
" محل ریاضت کشیدن و چله گرفتن
چله نشینان . جای اعتکاف صوفیان
و زهاد . خانه‌ای که مرتاضان ایام
چله را در آن بسر می‌برند " .

چهار سوق : مربعه ، چار سوق ،
چار سو ، چهار سو .
" محلی که چهار بازار به چهار
جانب باز و ممتد گردد " .

ح

حایط : زمینی است در داخل شهر که
اطراف آن دیوار کشیده باشند و در
آن زراعت کنند . جمع آن حیطان
است . اینگونه زمین ها را در
سبزوار حیط و در مشهد حیله گویند " .

حرم : " گرداگرد و محوطهء امکانهء
مقدس و متبرک " .

حرمسرا : حرمخانه ، پرده سرا .
" خانه زنان پادشاه و اعیان " .

حسینیه : " خانه‌ای که مخصوص اقامه
عزای حسین ابن علی ابن ابیطالب
(ع) باشد . مسافرخانه‌هایی که در
شهرها مخصوص زائران حسین (ع)
می‌ساختند که جنبه انتفاعی نداشته
است " .

حصار : باره ، بارهء دژ ، بارو ،
حصن ، ذرغاله ، دژغاله ، دیوار
بست ، سور ، شهربند ، شهرپناه ،
معقل .

" دیوار ، بارو و حصاری که دور شهر
برای محافظت آن بنا می‌کردند .
استحکاماتی که در اطراف قلعه بر

پا می‌ساخته‌اند " .

حظیره : حذیره ، کنیف ، شترگاه
شوگاه ، اشترگاه .

" محل محصور . محوطه‌ای از خار و چوب
و نی که برای حیوان سازند تا از
سرما و باد در امان بماند . حظیره
در مقاطعی از زمان نیز ، محل و
ملاوای دراویش واقع می‌شده است " .

حمام : غسل خانه ، گرمابان ،
گرمابه ، گرمخانه .
" محل شستشوی تن و بدن " .

حوزه علمیه : محل تدریس علوم
دینی به طلاب " .

خ

خارخانه : خس خانه ، خیس خانه ،
گلستان .

" بنایی که با خار و خاشاک
می‌سازند و با پاشیدن آب روی خارها
و عبور بادهای گرم از خارها ، درون
خارخانه دارای هوای مطبوعی می‌گردد .
این تدبیر عموماً در مناطق گرمسیری
و حاشیه کویر مورد استفاد قرار
می‌گرفته است " .

خانقاه : خانگاه .

" منزل یا محل اجتماع صوفیان ،
دراویش و مشایخ که در آن جا هم
چنین از فقرا به رایگان پذیرایی

می‌کرده‌اند . جمع آن خوانق و خانقاهات است " .

خزانه : بیت المال ، تحویلخانه ، مخزن ، گنج خانه .
" بنیایی جهت نگهداری گنج و دارایی های حکومت " .

خسته خانه : " بنیایی که در آن پیران ناتوان و بیماران درمان ناپذیر و کودکان بی کسی را نگهداری می‌کردند " .

ظلمت خانه : بنیایی که در آن خلایق (جمع ظلمت) مهیا و موجود بود . این محل ها ، خاص پادشاهان و بزرگان بود که خلایق را جهت بخشش در آن آماده و مهیا نگه می‌داشتند " .

خلیفه گری : " بنیایی که در آن اسقف کلیسا مقام داشته باشد " .

خندق : کنده .
" کودی که گرداگرد شهری ، یا حصار شهری و یا قلعه شهری یا لشکرگاهی ایجاد کنند تا مانع سیل و هجوم دشمن بشود " .

د

دار آفرین : دارابزین ، دارافزین ، داربزین ، دارفزین .
" بنیایی شبیه دکه‌ها و کیوسک های

امروزی که در آن کالا عرضه می‌کردند . صفه و سکوه در پیش خانه‌ها جهت نشستن می‌ساختند " .

دارالاماره : " خانه امیر ، حاکم نشین ، مقر فرمانده ، شهری که فرماندهی ایالت در آن واقع باشد " .

دارالتادیب : " بنیایی که در آن دزدان و بدکاران خردسال را نگهدارند و به نیکی پرورش دهند " .

دارالتولیه : محل استقرار متولیان اماکن متبرکه و موقوفات " .

دارالحجاج : " محل پذیرایی از حجاج " .

دارالحديث : " محل ذکر و آموزش احادیث دینی " .

دارالحفاظ : " محل آموزش و حفظ قرآن " .

دارالحکومه : " سرای حاکم ، محل حکومت کردن ، پایتخت ، مرکز فرمانروایان " .

دارالخلافة : خلیفه نشین .
" جای اقامت خلیفه ، پایتخت " .

دارالسلطنه : " پایتخت ، مقر حکومت " .

دارالسیاده : " محل استقرار سادات

در اماکن متبرکه " .

دارالسیاسة : " جایی که گنه کاران را در آن تنبیه می‌کردند " .

دارالطلبه : " محل استقرار و آموزش طلاب علوم دینی " .

دارالعبادة : " محل عبادت در اماکن متبرکه " .

دارالغریباء : " سرایی که جهت اقامت و نگهداری غریبان است " .

دارالقرآن : بیت المصحف ، دارالقراء .

" محل قرائت قرآن در اماکن متبرکه " .

دارالقمامه : " عبادتخانه خرسایان " .

دارالمناظره : " بنیایی که در آن دانشوران گرد می‌آمدند و درباره مسائل علمی بحث و مناظره می‌کردند " .

داروخانه : بیت الدوا ، بیوت الادویه ، داروکده ، دواخانه .
" محلی که در آن دارو تهیه و به فروش می‌رود " .

دانشسرا : دارالمعلمین ، دارالفنون .

"آموزشگاه حرفه ها و پیشه ها .
آموزشگاهی که خاص تعلیم و تربیت
دبیر و آموزگار است " .
دانشگاه : جامعه .

"موسسه ای که در آن تعلیم درجات
عالیه علوم و فنون و ادبیات و
فلسفه و هنر کنند " .

دخه : گورخانه .

"اطاق زیرزمینی یا سردابه ای که
جسد مردگان را در آنجا قرار
می دهند " .

دربند : "دروازه های بازار که از
آنها در اندرون بازار در آیند . در
یا دروازه که در مدخل و کوچه بازار
قرار می داده اند . بدان اعتبار که
کوچه ها نیز سرپوشیده بوده است ،
بنابراین دربند دژ یا دربند شهر یا
قلعه ، مدخل یا یکی از مدخل های آن
که به کوچه ای یا بازاری و محله ای
منتهی می شده ، بوده است " .

دروازه : باب .

"مدخل شهر ، محل ورود به مجتمع
زیستی یا قلعه . چون در گذشته در
مدخل مجتمع های زیستی و قلاع ، درهای
بزرگ کار می گذاشتند ، در این حال
دروازه بر در و بنایی که در بر آن
نصب شده بود ، مجموعاً "مدخل
مجتمع زیستی و یا قلعه را مشخص
می ساخت " .

دژ : دژ ، قلعت ، قلعه ، کوت .
"برج و بارویی است به شکل
دایره . قلعه و حصار را عموماً و
قلعه بالای کوه را خصوصاً ، دژ
گویند " .

دکان : بیت التجاره ، تجارتخانه ،
حانوت ، حجره ، دکه ، مغازه .
"بنایی که در آن صنعتگران و کسبه
اجناس و خدمات خود را در معرض
خرید و فروش و استفاده دیگران
قرار می دهند " .

ذیلا "به فهرست تعدادی از صنعتگران
دارای دکان در گذشته اشاره می شود :
زرگر ، خیاط ، قمار ، دقاق ،
کلاهدوز ، گازر ، کفاش ، آهنگر ،
رفوگر ، پوستین دوز ، طرازگر ،
وراق ، عطار ، نجار ، خراط ،
ریخته گر ، سبذباف ، سقا ،
آسیاگر ، آشپز ، گل فروش ، نقاش ،
خطاط ، پزشک ، شکسته بند ، جراح ،
فماد (حمام ، حمامتگر) ، دامپزشک ،
شیرینی پز ، مقلی ، نانوا ، علاف ،
دلال ، بزاز ، رنگرز ، مسگر ، پنبه
فروش ، کتان فروش ، صراف ،
سمسار ، سدر فروش ، فخار ،
سفالگر ، دوک ساز ، حنا فروش ،
شانه ساز ، غربال ساز ، مشک ساز ،
نمد مال ، کرکوه ساز ، کاه فروش ،
چوب فروش ، الوار فروش ،
منبت کار ، سراج ، زه تاب ، دلو
دوز ، نعلبند ، پیله ور ، سنبلاده
کار ، قوطی ساز ، شیره پز ،
کتابفروش و ...

دکانچه : دکانک .

"مغزر دکان به معنی دکان خرد و
کوچک " .

دولتخانه : دارالدوله .

"محل استقرار عوامل حکومتی " .

دیر : "خانه ای که راهبان در آن
عبادت کنند و غالباً از شهرهای
بزرگ بدور است و در بیابان ها و
قله های کوه ها بر پا گردد و هرگاه
در شهرها بنا گردد آن را کلیسا
گویند " .

دیوارهای دفاعی : "استحكامات
نظامی دیوار مانندی است که در
سطح منطقه ای و گاه محلی از نفوذ
دشمن به داخل کشور جلوگیری
می نموده است " .

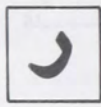
دیوان : مجمع المصنف .

"محل گودآوری دفاتر ، مطلق اداره
و تشکیلات اداری که عمدتاً شامل
دیوان های زیر بوده است :

دیوان خزانه ، برید ، سپاه ، ضیاع ،
آب ، اوقاف ، خراج ، شرف ،
صاحب شرط ، مؤید ، عارض ، قضا ،
محاسب (احتساب) ، مستوفی ،
مملکه خاص ، وزیر ، جیش ،
رسائل ، مدارت ، نفقات ،
پروانچه ، توقیع ، طغرا ، استیفا ،
انشاء ، شوری ، عیار ، احداث
اربعة ، احشام ، جزا ، جند ، حرب ،
خاتم ، خاصه (خالصه) ، زمام

(بازرسی) ، صدقات ، قدر ، مظلوم ، تنخواه (تن) ، اعلى ، (دربار) و ... " .

دیوانه خانه : تیمارستان دارالمجانین ، محبس مجانین .
" بنایی که در آن دیوانگان را نگهداری ، پرستاری و مداوا می کنند " .



راهدارخانه : باجگاه ، باجگیران ، باژخانه ، باژستان ، باژگاه ، حدگاه ، دارخانه ، رصدگاه ، شهیندرخانه ، کمرک ، کمرخانه ، مرصد .

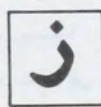
" بنایی بود مستقر در فاصله قلمروهای فرمانروایان که در آن ماموران مسلح دولتی از کالاهای بازرگان عوارض یا مالیات راه می گرفتند (نظیر کمرک خانه های امروزی) . جایگاه محافظان راه ها " .

رباط : " در ابتدای ظهور اسلام به بنای مستحکم گفته می شد که در آن کسانی اقامت می ورزیدند تا برای دفاع از اسلام خود را آماده می ساختند . به این افراد مرابطون می گفتند . سپس ، رباط به بنایی اطلاق گردید که در کنار راه جهت استراحت و سکنی و منزلگاه قافله و کاروان قرار داشت و سرایی که

برای فقیران اختصاص می یافت " .
رختشوی خانه : رختشورخانه ، گازرخانه ، گازرگاه .
" بنایی جهت شستن جامه ها " .

رستوران : بنایی که در آن غذا تهیه و عرضه می شود " .

رصدخانه : رصدگاه ، رصد که ، زیج ، مرصد .
" بنایی که در آن حساب حرکات و درجات سیارات و ثوابت را ضبط نمایند . محل نگهداری حساب ستارگان و تقویم و بررسی احوال و حرکات افلاک و کواکب " .



زاغه : " محل نگهداری مهمات نظامی که معمولاً در داخل کوه قرار دارد " .
زاویه : گوشه .

" زاویه دارای معانی متعددی است :
- غرفه هایی که در مساجد در آن فقه تدریس می شود .
- اتاقی در خانقاه که به خلوت و ریاضت شیخ یا فقرا اختصاص داده می شود .
- اتاقی در خانه یا جای دیگر که به نماز اختصاص داده می شود .
- جایی که در خانقاه برای نشستن شیخ و قطب معین می شود .

- محل خاص قرائت قرآن .

- در مصر به خانقاه زاویه می گویند .
- در اصطلاح مسلمانان قرون وسطی مرکزی است دارای تشکیلات وسیع برای تحصیل علوم ، نگاهداری و تربیت اطفال مسلمین و محصلین بی بضاعت و پذیرائی واردین .
- زاویه نظیر خانقاه و رباط است جز آنکه در آن مجالس ذکر برپا می گردد .

در برخی از زاویه ها مقبره مخصوص صلحا و یا استادانی که ترجیح می دهند در جوار قبر مرابط دفن شوند اضافه شده است " .

زایرسرا : " بنایی جهت پذیرایی از زوار " .

زندان : بند ، بندیخانه ، حبسخانه ، حصر ، دارالتادیب ، دوستاخ ، دوستاق ، دوستاق خانه ، زندان خانه ، سجن ، قید خانه ، محبس .
" جایی که متهمان و محکومان را در آن نگاهدارند " .

زورخانه : " جایی که در آن ورزش های باستانی انجام می شود . باشگاه ورزش های پهلوانی " .

زی : " بنایی مخصوص استقرار صوفیه " .

زیارتگاه : زیارت جای ، زیارت خانه ، زیارتکه ، مزار .

" محل و جای زیارت کردن " .

س

ساباط : سایبان .

" پوشش رهگذر ، پوشش سقف بازار ، سقف میان دو دیوار که از زیر آن راه باشد .

سبزه میدان : " میدانی که در آن سبزی و تره بار می‌فروشند و معمولاً در مدخل بازار قرار دارد " .

سرداب : سردابه .

" خانه‌ای را گویند که در زیر زمین سازند تا در گرما به آن پناه برند و آب را در آنجا نگاهدارند تا سرد بماند " .

سردخانه : " بنایی است برای نگاهداری ماکولات فاسد شدنی " .

سفره خانه : " محلی جهت ارائه غذای رایگان به مردم که معمولاً در جوار اماکن متبرکه قرار دارد " .

سقاخانه : " جایی که در آنجا آب برای تشنگان ذخیره کنند و آنجا را متبرک دانند " .

سقاوه : سقابه ، سقایه .

" نوعی حمام که در زیر زمین احداث کنند و از آب قنات استفاده

نمایند . جای آب خوردن و خزانه آبی که در مسجد احداث کنند " .

ش

سل : سله .

" نوعی استخر که جهت ذخیره آب برای آبیاری مورد استفاده قرار می‌گیرد " .

سلاح خانه : اسلحه خانه ، جبه خانه زراد خانه ، قور خانه .

" بنایی که در آن سلاح را جای می‌دهند . انبار و محل نگهداری اسلحه " .

سلاخ خانه : دارالسلخ ، سلخ ، کشتارگاه .

" بنایی که در آن گاو و گوسفند را ذبح کنند و پوست آن را بکنند " .

سنگاب : سنگابه .

" ظرف بسیار بزرگ آب که گنجایش چند خروار آب را دارد که از یک پاره سنگ تراشیده شده است که در مساجد ، تکایا و امازاده‌ها برای آشامیدن یا وضو قرار دهند " .

سیلو : " انبار خاص محافظت کندم .

انبار یا مخزن کاملاً بسته‌ای که در زیر زمین یا روی آن برای محفوظ نگاهداشتن محصولات کشاورزی می‌سازند " .

شترخان : اشترخان ، خوابگاه شتران ، شترخانه ، طویله ، شتر .

" کاروانسرای که شتران را در آنجا مسکن و غذا دهند و نگهداری کنند " .

شربت خانه : " محلی که در آن شربت و امثال آن نگهداری می‌شود . جای نگهداری شربت ها " .

شوادون : شبادان .

" زیر زمین ، سرداب عمیق ، جایی که شب در آن آرام گیرند " .

شیرخوارگاه : دارالرضاعه .

" بنایی که کودکان شیرخوار را در آن نگهداری می‌کنند " .

شیره کش خانه : شیرک خانه : شیره خانه .

" محلی که در آنجا شیره تریاک کشند " .

ص

صدقه خانه : " محلی که مخصوص جمع آوری صدقات بوده است " .

صه : ایوان مسقف ، غرفه مانندی در درون اطاق بزرگ که کف آن کمی بلندتر است و بزرگان بر آن

می‌نشستند . خانه تابستانی سقف دار " .

سومعه : " عبادت خانه ترسایان و نماری " .

ض

ضرابخانه : دارالسکه ، دارالضرب ، درم سرای ، سرا ضرب ، سرای درم ، سکه خانه ، میخ کده .
" بنایی که در آن سکه می زدند "

ط

طهارت خانه : آبخانه ، آبریز ، آبریزگاه ، آبشنگاه ، ادبخانه ، بربخ ، بیت التخلیه ، بیت الخلاء ، بیت الفراخ ، حاجت خانه ، دارالحدث ، طهارت جای ، کنیف ، مبال ، مبرز ، مرحاض ، مستراح .
" جای بول و محل قفای حاجت " .

ع

عبادتخانه : عبادتگاه .
" مکان عبادت و پرستش . آنجا که در آن ستایش و پرستش خدا کنند " .

عمارخانه : " بنایی که در آن شیره انگور یا روغن نباتی گیرند . محل

اجتماع عماران " .

غ

غسالخانه : مرده شورخانه ، مرده شوخانه ، مرده شوی خانه ، مغتسل ، مغسل .
" بنایی که در آن مردگان را می‌شویند و غسل می‌دهند " .

ف

فحوت خانه : " محل اجتماع فتمیان (جوانمردان) " .

فراش خانه : " سرایی که فراشان دربار در آن گرد می‌آمدند و منتظر اوامر می‌ماندند " .

فراموشخانه : " محل تشکیل محفل فراماسونرها در ایران " .

فصیل : " دیوار کوچک درون حمار یا درون بارهء شهر " .

ق

قبرستان : گورستان .
" محل دفن مرده‌ها " .

قدمگاه : قدم جای .

" محلی که پای پیامبری ، امامی یا ولی بدانجا رسیده باشد " .

قصر : کاخ ، کوشک .

" بنای استوار و بلند که جایگاه پادشاهان و فرماندهان و امرا بوده ، به عمارت بلند نیز قصر گویند " .

قلندرخانه : " محل اجتماع و خانه قلندرها " .

قنات : کاریز ، کاه ریز ، کهریز .
" مجموعه‌ای از چند میله و یک کوره (یا کوره‌های) زیر زمینی که با شیبی کمتر از شیب سطح زمین ، آب موجود در لایه (یا لایه‌های) آبدار مناطق مرتفع زمین یا رودخانه‌ها یا مرداب‌ها و برکه‌ها را به کمک نیروی ثقل و بدون کاربرد نیروی کشش و هیچ نوع انرژی الکتریکی یا حرارتی با جریان طبیعی جمع‌آوری می‌کند و به نقاط پست تر می‌رساند . به عبارت دیگر قنات را می‌توان نوعی زهکش زیرزمینی دانست که آب جمع‌آوری شده توسط این زهکش به سطح زمین آورده می‌شود و به مصرف آبیاری یا شرب می‌رسد " .

کنسول خانه : کنسول خانه ، کنسولگری .
" محل زندگی و کار کنسول " .

قهوه‌خانه : چایخانه .
" جایی که در آن قهوه می‌پزند و چای

دم می‌کنند " .

دارد " .

قیمریه : " راسته بازار بزرگ که عمدتاً در آن منسوجات به فروش رسانیده می‌شود " .

ک

کارخانه : کارگاه تولیدی .

" پیشه گاه و جایی که در آن پیشه و صنعتی را به انجام می‌رسانند . محل تولید چیزها ، مثل ، طراز ، دیبا ، گلاب ، منسج ، روغن و ... " .

کاروانسرا : تیم ، تیمچه ، خان ، خان‌التجار ، خانبار ، خوان ، رباط ، سباط ، سرای کاروان ، کاربات ، کاروانگاه ، کاروانگه .

" بنایی که در آن کاروان منزل کند . کاروانسرای بزرگ را تیم و کاروانسرای کوچک را تیمچه گویند " .

کانال‌های آب : آبراهه .

" آبراهه‌ای که میان دو آبگیر ایجاد می‌شود " .

کبوتر خوان : برج کبوتر ، قوشخانه ، کبوترخان ، کبوترخانه ، کفترخان .

" بنایی که جهت کبوتران اهلی سازند و معمولاً برج گونه است که هم جهت استفاده از کود حیوان است و هم عملکرد دیده بانی (دفاعی)

کوی های دانشگاهی : " محل سکونت دانشجویان و گاه طلاب علوم دینی " .

کهندژ : قندز ، قندوز ، قهندز ، کهندژ ، کهنه دژ .
" قلعه قدیمی که معمولاً متعلق به شهر و یادر مرکز آن باشد " .

گ

گذر ، گذرگاه .

" راهی فراخ که از آنجا بتوان به راه‌ها و جاهای بسیار دست یافت " .
گرم‌خانه : " خانه‌ای که در زیرزمین برای سکونت ایام سرما سازند . به معنی گلخانه نیز آمده است " .

گلخانه : " بنایی که به منظور پرورش گل و گیاه سازند " .

ل

لشکرگاه : اردو ، جای لشکر ، لشکر جای ، لشکرکه ، معسکر .
" جای و محل استقرار لشکر " .

لشکر : لشکرخانه .
" بنایی را گویند که در آن محل همه روزه طعام رایگان به فقرا دهند . محل اجتماع و خوردنکاه سولیان " .

کتابخانه : بیت‌الکتب ، خزانه الکتب ، دارالکتب ، مخزن کتاب .
" بنایی جهت نگهداری و استفاده از کتاب " .

کلات : کلاته .

" قلعه یا دهی بزرگ را گویند که بر سرکوه یا پشته بلندی ساخته شده باشد " .

کلاه فرنگی : " عمارتی مسقف که در وسط کاخ‌ها و باغ‌ها برای استراحت سازند یا در میدان‌ها برای فروش کالا سازند " .

کلیسا : کلیسه ، کلیسیا .

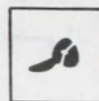
" جای پرستش و معبد ترسایان " .

کنیسه : " کلیسای ترسایان یا جهودان (کلیمی‌ها) . اساساً اعراب معبد یهود را کنیس ، معبد نصاری را کنیسه ، معبد مسلمانان را جامع و مسجد و معبد بت پرستان را هیکل گویند " .

کوچه : کوچه .

" ممر کوی . راه کوچک و دراز . کوچه به معنی محله و برزن نیز بکار می‌رود " .

کوی : " راه فراخ و گشاد را گویند . ممر و گذر " .



مانستار : " ابن بطوطه در سفرنامه خود از مانستارات قسطنطنیه نام میبرد که این محل معادل صومعه خانقاه ، دیر و زاویه در نزد مسلمانان است . "

مدرسه : بیت التعلیم ، دارالادب ، دارالتعلیم ، دارالمعلم . " بنایی که در آن درس دهند و درس خوانند . "

مدرسه علمیه : " بنایی که در آن درس علوم دینی می‌دهند و می‌خوانند . "

مربع : " خانه‌ای که خاص اقامت ایام ربیع (بهار) باشد . خانه بهاری . "

مسجد : بیت الله ، تاریخانه ، توحیدخانه ، خانه خدا ، خدای خانه ، مزکت ، مزکت ، نمازخانه . " خانه‌ای که مسلمانان برای پرستش پروردگار یکتا می‌سازند . "

مسکن : آلاچیق ، آلتونک ، ابه ، او ، اوبه ، بیت ، تلک ، چادر ، خانه ، دار ، ربع ، زاغه ، سرا ، سیاه چادر ، کپر ، کومه ، منزل ، یورت .

" جای و مقام سکونت خانواده . واحد مسکونی . "

مشاهد : " شهادت گاه‌ها و قبرستان شهیدان . "

مشتی : " خانه زمستانی . موضعی که زمستان را در آنجا گذرانند . "

معلی : سیرگاه ، عیدگاه ، نمازگاه ، ممل .

" محل و جای نماز که مردم در اعیاد (مثل عید فطر ، قربان و ...) در آن نماز گزارند . معلی ها بعدها به گردشگاه (سیرگاه) مردم تبدیل شد . "

مصیف : " خانه تابستانی . جایی که تابستان در آن اقامت کنند . "

معبد : " عبادتگاه و جای پرستش نزاری و به معنی جای عبادت مسلمانان نیز آمده است . "

معبر : " محل عبور و جای گذر . "

معطن : مبرک ، مناخ . " جای باش شتران و آغل گوسفندان نزدیک آب . "

مکتب خانه : مکتب گاه . " محل و جای آموختن دانش به کودکان . "

موزه : دارالتحف ، متحف . " بنایی که در آن مجموعه بزرگی از اشیاء قیمتی را نگهداری و در معرض نمایش قرار می‌دهند . "

مولوی خانه : " تکیه دروایش مولوی ، خانقاه دروایش . "

مهمانسرا : خان السبیل ، دارالضیافه ، دارالضیف ، فندق ، فندق ، مسافرخانه ، مفیف ، منزلگاه مسافر ، مهمان خانه . میهمان خانه ، میهمان سرا .

" جای پذیرایی از مهمانان . سرای خاص مهمانان ، جایی که مسافر در آن منزل می‌کند . "

میخانه : خرابات ، خمخانه ، خمدان ، خمستان ، خمکده ، سرای سرور ، شرابخانه ، شیره خانه ، میکده .

" محل و جایی که در آن باده فروشند و خورند . "

میدان : واشودگاه . " فضا و عرصه کشاده که در اطراف آن خانه‌ها و یا دکان ها مستقر باشد . "

میدانچه : میدانک . " میدان خرد و کوچک را گویند . "

میل : سنگ فرسنگ ، سنگ نشان .
 " مناره و هر نشانی که در راه برای
 تعیین مسافت قرار دهند که معمولاً"
 به شکل مخروط بوده است " .

ن

نقاره خانه : نقارخانه .
 " محل و جایی که در آن روزی دو
 نوبت می زنند . جایی که در آن
 نقاره می زنند " .

نقب : " راهی که پنهان از چشم
 مردم در زیر زمین تعبیه کنند " .

نقب خانه : خانه ای که در زیر
 زمین سازند تا هر کسی بر آن واقف
 نباشد " .

نکارخانه : " کارگاه و خانه
 نقاشی " .

نماز خانه : " معبد ترسایان که از
 کلیسا کوچکتر است " .

نمایش خانه : تاتر ، تماشا خانه ،
 نمایشگاه .
 " بنایی جهت نمایش دادن " .

نوان خانه : دارالمجزه ،
 دارالمساکین .

" بنایی که در آن بی نوایان و
 نابینایان را نگاهداری می کنند " .

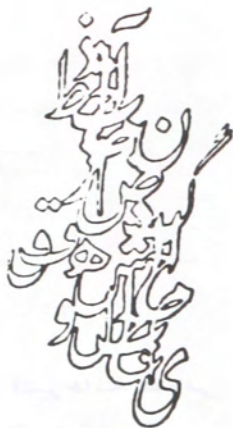
و

ورزشگاه : بازیگاه ، ملعب .
 " محل و جای بازی " .

ی

یخچاژون : یخچاوان .
 " محل یخ گرفتن (یخ گیر) در یخچال
 را یخچاژون می گویند . سطح یخچاژون
 از سطح عمومی زمین معمولاً نیم متر
 پائین تر و به شکل کرت بسیار
 بزرگی است . آب وارد محل
 یخچاژون می گردد و در شب یخ بسته
 می شود که این یخ ها سپس به یخچال
 هدایت می گردد " .

یخچال : چالمه ، گود ، یخچال .
 " بنای مسقفی که در زیر زمین جهت
 نگهداری یخ احداث می کردند " .



● فهرست شماره ۲



آبکاری : بازار
 آب انبار : آب انبار
 آب بخشان : پخشاب
 آب بخشکن : پخشاب
 آب بند : بند
 آب پخشان : پخشاب
 آب پخشکن : پخشاب
 آبخانه : طهارت خانه
 آبدان : آب انبار
 آبراهه : کانال آب
 آبریز : طهارت خانه
 آبریزگاه : طهارت خانه
 آبسالان : باغ
 آبختنگاه : طهارت خانه
 آبگاه : آب انبار
 آبگیر : " استخر " و " آب انبار "
 آتشکده : آتشکده
 آتشگاه : آتشکده

آتشکده : آتشکده

آخور : اصطبل

آخور جای : اصطبل

آرامگاه : آرامگاه

آرامگاه : آرامگاه

آستانه : آستانه

آسیاب : آسیاب

آسیاب : آسیاب

آشپزخانه عمومی : آشپزخانه عمومی

آش خانه : آشپزخانه عمومی

آغل : آغل

آهول : آغل

آغیل : آغل

آکروپل : آکروپل

آکروپلیس : آکروپل

آلاچیق : مسکن

آلونک : مسکن



اوبه : مسکن

ادب خانه : طهارت خانه

اردو : لشکرخانه

ارک : ارک

ارک : ارک

استخر : استخر

استودان : استودان

اصطبل : اصطبل

اسقاله : اسکله

اسکله : اسکله ، بندر

اسلحه خانه : سلاح خانه

اشترخان : شترخان

اشترگاه : حظیره

اصطبل : اصطبل

اصقاله : اسکله

امامزاده : امامزاده

انبارخانه : انبارهای عمومی

انبار کالا : انبارهای عمومی

انبارهای عمومی : انبارهای عمومی

انجمن : انجمن

او : مسکن

اوبه : مسکن

ایستگاه : چاپارخانه



باب : دروازه

باجگاه : راهدارخانه

باجگیران : راهدارخانه

بادشکن های بادگیر : بادشکن های-

بادگیر

بارانداز : اسکله

بارگاه : بارگاه

بارگه : بارگاه

باره : حصار

بارهء دژ : حصار

بارو : حصار

بازرا : بازار

بازارچه : بازارچه

بازیگاه : ورزشگاه

بازارهای فعلی : بازارهای فعلی

باژخانه : راهدار خانه

باژستان : راهدار خانه

باژگاه : راهدارخانه

باجستان : راهدارخانه

باستیان : باستیان

باستیون : باستیان

باغ : باغ

باغچه : باغچه

باورچی خانه : آشپزخانه عمومی

بئر : چاه

بتخانه : بتخانه

بتستان : بتخانه

بتکده : بتخانه

بربخ : طهارت خانه

برج : برج

برج خاموشی : استودان

برج دیده بانی : برج دیده بانی

برج کبوتر : کبوتر خوان

برخ : آب انبار

برف انداز : برف انداز

برکه : آب انبار

بست : بست

بستان : باغ

بست خانه : بست

بغستان : بتخانه

بقعه : بقعه

بند : "بند" و " زندان "

بندر : بندر

بندرگاه : بندر

بندگاه : بند

بندگه : بند

بندیخانه : زندان

بوستان : باغ

بوکن : بوکن

بوم کن : آغل

خراشها است. چند غرفه نیز به نمایش کارآیی نرم افزارهای جدیدی که در رابطه با طراحی معماری تولید شده اختصاص داشت. پیشرفته ترین آنها را شرکت امریکایی (APPLE MACINTOSH) ارائه کرده بود. پیشرفت چشمگیری که در این زمینه به دست آمده است استفاده از اجزاء و عناصر ساختمانی در طراحی به جای ترسیم خط است. برنامه‌های جدید به گونه‌ای است که حاوی عناصر ساختمانی مانند دیوار، در، پنجره، مبلمان و امثال آن است که هر کدام بسته به خواسته‌ی طراح می‌تواند تنوعی از ابعاد در اندازه‌ها و طرح‌ها و اشکال مختلف را داشته باشد. یکی از انواع پیشرفته‌ی این نرم افزارها قادر است پس از پایان طرح بلافاصله ریز کلیه‌ی مواد و مصالح اصلی ساختمانی بنا را نیز برآورد و ارائه کند و در صورتیکه قیمت‌های مربوط نیز به کامپیوتر داده شوند هزینه‌ی ساختمان را نیز همزمان برآورد کند تا در صورت لزوم در طرح اصلاحات لازم به عمل آید. رویهم رفته به نظر می‌رسید که هنوز هم کامپیوتر برای اینکه بطور جدی در دفاتر رایج بشود، راه نسبتاً طولانی در پیش دارد. در یک طرف همین نمایشگاه

بیش از ده شرکت انتشاراتی از جمله مؤسسات انتشاراتی وابسته به دانشگاهها کتب و نشریات جدید در زمینه‌ی معماری را جهت فروش عرضه کرده بودند. متأسفانه مجموعه‌ی کتابها و مجلات چندان چشمگیر نبود. در فرصت دیگری از کتابفروشی و موزه‌ی انجمن معماران کانادا در شهر مونترال دیدن کردم. برغم کوچک بودن کتابفروشی مجموعه‌ای کامل از تازه‌ترین کتابهای معماری و شهرسازی را یکجا در آن جمع آوری و به معماران عرضه می‌دارد. در کنار همین کتابفروشی موزه‌ای حاوی طرحها و نقشه‌های شهر مونترال و غیره وجود دارد. از جمله وقایع قابل ذکر در حاشیه‌ی کنفرانس نمایش فیلمهای معماری بود که به موازات جلسات ادامه پیدا می‌کرد. فیلمها اکثراً به زبان اصلی نمایش داده می‌شدند. در مجموع ۲۰ فیلم به نمایش درآمد. در زمره‌ی موضوعات مهم فیلمها می‌توان از فیلمهایی از فرانسه در معرفی "فرانک لویدرایت" "ماريو بوتا"، "لوکوربوزیه"، "کاثودی"، "تادانو آندو" و "نگاهی به بریتانیا" را نام برد. زبان جلسات معمولاً فرانسه یا انگلیسی بود و مطالب جلسات فرعی

به طور همزمان حداقل به این دو زبان ترجمه و با کوشی‌های مخصوص قابل استفاده بود. علاوه بر این دو زبان مباحث جلسات عمومی به دو زبان دیگر نیز شامل آلمانی و اسپانیولی نیز ترجمه و پخش می‌شدند. در اوقات فراغت تورهایی جهت بازدید از مناطق مختلف شهر پیش بینی شده بود. هزینه‌ی این تورها حداقل ۲۵ دلار برای دو ساعت گردش بود که ما فقط توانستیم در یکی از آنها شرکت کرده و ضمن بازدید از نقاط دیدنی شهر از جمله استادیوم المپیک با تاریخچه شهر آشنا شویم. شهر مونترال در دامنه‌ی کوه واقع شده و تا لبه رودخانه در دشت کشیده می‌شود. در بخشهای مرتفع با حال و هوای کوهپایه، ویلاها و خانه‌های کران قیمت با تراکم نسبتاً پایین قرار گرفته‌اند. یک بافت سه، چهار طبقه بخش عمده‌ی شهر را پوشانده است. در بعضی از بخشها محلات و خیابانهایی با نام اقلیتهای ملی مختلف شناخته می‌شوند. مثلاً "یونانیها برای خود محله‌ای دارند و عربها در گوشه‌ی دیگری از شهر متمرکزند. در مرکز این مجموعه یک بافت شطرنجی وجود دارد که مجموعه‌ای از آسمانخراشها را در خود

خانه ■ خبرها

جای داده است . غالباً طبقه زیرین این آسمانخراشها اختصاص به مراکز خرید دارد و از زیرزمین به یکدیگر مربوطند . در حقیقت این مجموعه شهر زیرزمینی مونترال را شکل می‌دهند . در کنار دیگر عللی که وجود شهر زیرزمینی را توجیه می‌کند باید به سرمای طولانی و شدید شهر ، که گاه تا چهل درجه زیر صفر می‌رسد اشاره کرد .

در فرصتهای کوتاهی که پیش آمد از کتابخانه دانشگاه انگلیسی مک کیل و دانشکده معماری آن دیدن کردم . آقای پروفیسور کوو (COVO) دانشیار دانشکده مذکور در غیاب رئیس دانشکده راهنمای اینجانب بودند . خوشبختانه نمایشگاهی از نمونه‌هایی از پروژه‌های دانشجویی برپا شده بود که بررسی آنها می‌توانست برداشت مجملی از کیفیت آموزشی دانشکده را میسر سازد . در مجموع استنباط اینجانب این بود که از لحاظ علمی سطح دانشجویان دانشکده‌های ایران به راحتی قابل مقایسه با مدارس از قبیل مک کیل است .

در پایان باید اشاره کنم که هزینه این سفر توسط دانشگاه بین الملل اسلامی در ایران تأمین شده بود . دانشکده معماری دانشگاه

مذکور با همکاری دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی راه اندازی شده است . از نظر هزینه مسکن هتلهای معمولی حدود هشتاد دلار در روز کرایه می‌گیرند که با اضافه کردن هزینه رفت و آمد و خورد و خوراک هزینه سفر بالغ بر روزی یکصد دلار می‌شود . خوشبختانه ما موفق شدیم از خوابگاه دانشگاه مونترال استفاده کنیم که نرخ آنها برای مراجعین معمولی سی دلار و دانشجویان حدود نصف این قیمت است . البته این اتاقها ، دانشجویی و فاقد سرویسهای خصوصی بود . جای آن دارد که حضور در این قبیل مجامع از سوی دانشکده‌های معماری و سازمانها و نهادهای دولتی جدی‌تر گرفته شود . دیر یا زود باید در مورد تشویق و تشکیل نمایندگیهای سازمانها و اتحادیه‌های بین‌المللی از قبیل ایکوموس ICOMOS و U.I.A نیز سیاست مناسب تعیین شود . ●

● **سمینار ملی نگهداری ، بهسازی ، مرمت و تعمیر ساختمانها -**

اولین سمینار ملی نگهداری ، بهسازی ، مرمت و تعمیر ساختمانها طی روزهای چهارم و پنجم اسفندماه از سوی مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن در تالار علامه امینی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران برگزار شد . هدف از برگزاری این سمینار تحقیق در زمینه اهمیت مسئله تعمیر و نگهداری ساختمان به عنوان اثر فرهنگی بود . در این سمینار ضمن ارائه ۱۸ مقاله تخصصی در زمینه اهمیت پرداخت به مسئله مرمت و بهسازی آثار فرهنگی و باستانی و همچنین نقش تکنولوژی مدرن در این مورد بررسی شد .

دارالسلطنه : دارالسلطنه

دارالسياده : دارالسياده

دارالسياسه : دارالسياسه

دارالشفه : بیمارستان

دارالضرب : ضرابخانه

دارالضيافه : مهمانسرا

دارالضيف : مهمانسرا

دارالطبخ : آشپزخانه عمومی

دارالطلبه : دارالطلبه

دارالعباده : دارالعباده

دارالمجزه : نوان خانه

دارالعلم : مدرسه

دارالغرباء : دارالغرباء

دارالفنون : دانشسرا

دارالقراء : دارالقراء

دارالقرار : آرامگاه

دارالقرآن : دارالقرآن

دارالقمامه : دارالقمامه

دارالكتب : کتابخانه

دارالمجانين : دیوانه خانه

دارالمرضى : بیمارستان

دارالمساكين : نوان خانه

دارالمعلمين : دانشسرا

دارالمناظره : دارالمناظره

داربزين : دارآفرين

دارخانه : راهدارخانه

داروگده : داروخانه

دانشسرا : دانشسرا

دانشگاه : دانشگاه

دخمه : کورخانه

دخمه و مقبره کبرها : استودان

دربخانه : بارگاه

دربند : دربند

دربخانه : بارگاه

درگاه : بارگاه

درمانگاه : بیمارستان

درم سراي : ضرابخانه

دروازه : دروازه

دز : دز

دژغاله : حصار

دژ : دژ

دژغاله : حصار

دژهرج : بتخانه

دکان : دکان

دکانچه : دکانچه

دکانک : دکانچه

دکه : دکان

دلال خانه : بيت اللطف

دواخانه : داروخانه

دوستاخ : زندان

دوستاق : زندان

دوستاق خانه : زندان

دولاب : چرخاب

دولتخانه : دولتخانه

دير : دير

ديواربست : حصار

ديوارهای دفاعي : ديوارهای دفاعي

ديوان : ديوان

ديوانه خانه : ديوانه خانه



راهدارخانه : "رباط" و "کاروانسرا"

ربح : مسکن

رها : آسياب

رحي : آسياب

رختشورخانه : رختشوی خانه

رختشوی خانه : رختشوی خانه

رستوران : رستوران

رصد خانه : رصد خانه

رصدگاه : "رصدخانه" و "راهدارخانه"

رصدکه : رصدخانه

رياضتگاه : چله خانه



زاغه : "زاغه" و "آغل" و "مسکن"

زاويه : زاويه

زايرسرا : زايرسرا

زرادخانه : سلاح خانه

زغاو : بيت اللطف

زندآن : زندان

زندآن خانه : زندان

زورخانه : زورخانه

زی : زی

زیارت جای : زیارتگاه

زیارت خانه : زیارتگاه

زیارتکه : زیارتگاه

زیج : رصدخانه



ساباط : "ساباط" و "کاروانسرا"

ساخو : پادگان

سایبان : سباط

سبزه میدان : سبزه میدان

ستودان : استودان

ستورگاه : اصطبل

سجن : زندان

سرا : مسکن

سرای درم : ضرابخانه

سد : بند

سرا : مسکن

سرای کاروان : کاروانسرا

سربازخانه : پادگان

سرداب : سرداب

سردابه : سرداب

سردخانه : سردخانه

سفره خانه : سفره خانه

سقاوه : سقاوه

سقاخانه : سقاخانه

سقاله : اسکله

سقاوه : سقاوه

سرا ضرب : ضرابخانه

سرای سرور : میخانه

سقایه : سقاوه

سکه خانه : ضرابخانه

سل : سل

سلاح خانه : سلاح خانه

سلاح خانه : سلاح خانه

سلخ : سلاح خانه

سنگاب : سنگاب

سنگابه : سنگاب

سنگ نشان : میل

سنگ فرسنگ : میل

سور : حصار

سوق : بازار

سیاه چادر : مسکن

سیپک : چرخاب

سیرگاه : مملى

سیلو : سیلو

ش

شبادان : شوادون

شبقا : آغل

شب غاز : آغل

شعب گاه : آغل

شترخان : " شترخان " و " حظیره "

شترخانه : شترخان

شرابخانه : میخانه

شربت خانه : شربت خانه

شفاخانه : بیمارستان

شنکله : اصطبل

شوادون : شوادون

شوفا : آغل

شوغاز : آغل

شوگاه : " آغل " و " حظیره "

شولیده : اصطبل

شهبندرخانه : راهدارخانه

شهر بند : حصار

شهرپناه : حصار

شیرخوارگاه : شیرخوارگاه

شیره خانه : " میخانه " و

" شیرکشی خانه "

شیرک خانه : شیرکشی خانه

شیره کش خانه : شیرکشی خانه

ص

صدقه خانه : صدقه خانه

صفه : صفه

صنم خانه : صنم خانه

صومعه : صومعه

ض

ضرابخانه : ضرابخانه

ط

طاحون : آسیاب

طاحونه : آسیاب

طحانه : آسیاب

طویله : اصطبل

طویله شتر : شترخان

طهارت جای : طهارت خانه

طهارت خانه : طهارت خانه

ع

عبادتخانه : عبادتخانه

عبادتگاه : عبادتخانه

عمارخانه : عمارخانه

عیدگاه : مملى

غ

غسالخانه : غسالخانه

غسل خانه : حمام



نارقین : پارکین

فاحشه خانه : بیت اللطف

فتوت خانه : فتوت خانه

فراش خانه : فراش خانه

فراوشخانه : فراوشخانه

فخاز : بتخانه

فرزه : پخشاب

فصیل : فصیل

فغانستان : بتخانه

فندق : مهمانسرا

فندق : مهمانسرا



قبر : آرامگاه

قبرستان : قبرستان

قبرستان گبرها : استودان

قبه : بارگاه

قدم جای : قدم گاه

قدم گاه : قدم گاه

قرار : آرامگاه

قرار گاه : آرامگاه

قراولخانه : پاسگاه

قصر : قصر

قلعت : دژ

قلعه : دژ

قلندرخانه : قلندرخانه

قنات : قنات

قندز : کهندژ

قندوز : کهندژ

قنصول خانه : قنصول خانه

قنطره : پل

قورخانه : سلاح خانه

قوشخانه : کبوتر خوان

قهندز : کهندژ

قیدخانه : زندان

قهوه خانه : قهوه خانه

قیصریه : قیصریه



کاخ : قصر

کاربات : کاروانسرا

کارخانه : کارخانه

کارگاه های تولیدی : کارخانه

کاروانسرا : کاروانسرا

کاروانگاه : کاروانسرا

کاروانگه : کاروانسرا

کاریز : قنات

کالانبار : انبارهای عمومی

کاسال های آب : کاسال های آب

گاه ریز : قنات

کبوترخان : کبوترخوان

کبوترخانه : کبوتر خوان

کبوترخوان : کبوتر خوان

کپر : مسکن

کتابخانه : کتابخانه

کشتارگاه : سلاح خانه

کشیک خانه : پاسگاه

کفترخان : کبوترخوان

کلات : کلات

کلاته : کلات

کلاه فرنگی : کلاه فرنگی

کلیسا : کلیسا

کلیسه : کلیسا

کلیسیا : کلیسا

کمراه : آغل

کنده : " خندق " و " آغل "

کنسول خانه : کنسول خانه

کنسولگری : کنسول خانه

کنشت : آتشکده

کنیسه : کنیسه

کنیف : " حظیره " و " طهارت جای "

کوت : دژ

کوچه : کوچه

کوشک : قصر

کومه : مسکن

کویچه : کوچه

کهریز : قنات

کوی : کوی

کوی های دانشگاهی : کوی های دانشگاهی

کهندز : کهندژ

کهندژ : کهندژ

کهنه دژ : کهندژ

کیوسک : دارآفرین



کازرخانه : رختشوی خانه

کازرگاه : رختشوی خانه

کردآمدنگاه : انجن

کرمابه : حمام



مژکت : مسجد
مسافر خانه : مهمانسرا
مستراح : طهارت خانه
مستشفى : بیمارستان
مسجد : مسجد
مسكن : مسكن
مشاهد : مشاهد
مشتى : مشتى
معلّا : معلی
معلی : معلی
مصنع : آب انبار
مصنعه : آب انبار
مصيف : مصيف
مضجع : آرامگاه
مغيف : مهمانسرا
مطحنه : آسیاب
معبد : معبد
معبر : پل
معبر : معبر
معبربحر : بندر
معسكر : لشكرگاه
معطن : معطن
معقل : حصار
مفازه : دكان
مفاك : چاه
مفسل : غسالخانه
مقبره : آرامگاه
مقسم : پخشاب
مكتب خانه : مكتب خانه
مكتب گاه : مكتب خانه
ملعب : ورزشگاه
مناخ : معطن

مارسان : بیمارستان
مارستان : بیمارستان
مانستار : مانستار
مبال : طهارت خانه
مبرز : طهارت خانه
مبرك : مبرك
متحف : موزه
مجمع الصحف : دیوان
محبس : زندان
محبس مجانين : دیوانه خانه
مطل : انجمن
مخزن : خزانه
مخزن كتاب : كتابخانه
مدرسه : مدرسه
مدرسه علمیه : مدرسه علمیه
مدفن : آرامگاه
مربض : آغل
مربط : اصطبل
مربع : مربع
مربعه : چهارسوق
مرحاض : طهارت خانه
مرده شوخانه : غسالخانه
مرده شورخانه : غسالخانه
مرده شوی خانه : غسالخانه
مرصد : "رصدخانه" و "راهدارخانه"
مرفه : اسكله
مرقد : آرامگاه
مريضخانه : بیمارستان
مزار : زیارتگاه
مژکت : مسجد

گذر : گذر

گذرگاه : گذر

گردشگاه : تفرجگاه

گرمابان : حمام

گرمابه : حمام

گرم خانه : "گرم خانه" و "حمام"

گلستان : "باغ" و "خارخانه"

كلخانه : كلخانه

كمرك : راهدارخانه

كمرك خانه : راهدارخانه

كنج خانه : خزانه

كود : یخچال

كور : آرامگاه

كورخانه : دخمه

كورخانه ترسايان : استودان

كورستان : قبرستان

كوشه : زاویه



لست : پخشاب

لشكرجای : لشكرگاه

لشكرگاه : لشكرگاه

لشكرگه : لشكرگاه

لله : پخشاب

لنكر : لنكر

لنكرخانه : لنكر

لنكرگه : اسكله

لولی خانه : بیت اللطف



نشریه علمی پژوهشی معماری و شهرسازی

جهت اشتراک سالیانه
" صفه " لطفاً مبلغ ۲۴۰۰ ریال
به حساب ۹۰۰۲۰ بانک ملی شعبه
دانشگاه شهید بهشتی - اوین واریز
و رسید بانکی مربوطه را به همراه
برکه تکمیل شده زیر به صندوق پستی
۱۹۸۳۵/۳۴۶ ارسال نمائید .

در صورت تمایل به دریافت تک
شماره های " صفه " برای هر شماره
مبلغ ۶۰۰ ریال به حساب فوق
الذکر واریز و رسید بانکی مربوطه
را همراه با درخواست خود به
دفتر نشریه ارسال فرمائید .



واحد مسکونی : مسکن
واشودگاه : میدان
واکار : بازار
ورزشگاه : ورزشگاه



هیکل : بتخانه



یام : چاپارخانه
یامخانه : چاپارخانه
یخچاژون : یخچاژون
یخچال : یخچال
یخچاوان : یخچاژون
یخج : چشمه
یورت : مسکن
یورد : مسکن
یورگاه : مسکن



منزل : مسکن

منزلگاه مسافر : مهمانسرا

موزه : موزه

مولوی خانه : مولوی خانه

مهمانخانه : مهمانسرا

مهمانسرا : مهمانسرا

میخانه : میخانه

میخ کده : ضرابخانه

میدان : میدان

میدانچه : میدانچه

میدانک : میدانچه

میکنده : میخانه

میل : میل

میهمان خانه : مهمانسرا

میهمان سرا : مهمانسرا



ناوس : استودان

ناجرمک : بتخانه

ناووس : استودان

نقارخانه : نقاره خانه

نقاره خانه : نقاره خانه

نقرب : نقب

نقرب خانه : نقب خانه

نگارخانه : نگارخانه

نمازخانه : " مسجد " و " نمازخانه "

نمازگاه : معلى

نمایش خانه : نمایش خانه

نمایشگاه : نمایش خانه

نوان خانه : نوان خانه

نهر : جوی

و شما



این ستون از شماره آینده منعکس کننده آراء و نظریات خوانندگان در رابطه با "مفه" و مباحث مطرح شده در آن خواهد بود .
نظریات خود را بطور خلاصه با ذکر مشخصات کامل و میزان تحصیلات خود برای ما ارسال نمایید و ما را در ارتقاء کمی و کیفی "مفه" یاریگر باشید .

نشریه علمی پژوهشی معماری و شهرسازی

برگ درخواست اشتراک سالیانه از شماره سال

شغل / تحصیلات :

تلفن

امضاء :

نام :
نشانی کامل :
شماره رسید بانکی :
تاریخ :





• به یاد استاد

پاشیزی که گذشت با ضایعه‌ای دیگر برای جامعه علمی کشور همراه بود. قلب استاد شاملو، معلم مدرسه و دانشگاه پس از ۶۵ سال تپش برای دانش و جویندگان آن در این سرزمین، آرام گرفت. مهندس ولی الله شاملو در سال ۱۳۰۵ در تهران متولد شد و در سال ۱۳۲۶ پس از اخذ درجه لیسانس، کار تدریس را در دبیرستان جدید التاسیس پیرنیا در خیابان مولوی آغاز نمود. در سال ۱۳۳۵ ازدواج کرد و حاصل این پیوند دو فرزند پسر بود که بعدها به اخذ درجه دکترا در

رشته‌های فیزیک و پزشکی نائل شدند. بعد از دبیرستان پیرنیا بمدت ۷ سال در دبیرستان البرز به تدریس ادامه داد و سپس برای یکسال و نیم به آلمان رفت و پس از اخذ درجه فوق لیسانس در مکانیک و بازگشت به کشور در گروه فرهنگی هدف، مشغول به کار شد. از میان جمع کثیر دانش آموزانی که مهندس شاملو در این سه دوره به تعلیمشان همت گماشت، بسیاری بعدها منشاء خدمات ارزشمندی در ایران و عرصه بین المللی شدند. روش موفق تدریس مهندس شاملو در

طول سالهای تدریس ریاضی و هندسه در دبیرستان، موجب گردید که با بازگشایی دانشگاهها در سال ۱۳۴۲ ابتدا به همکاری در دانشگاه تهران و سپس در دانشگاههای صنعتی شریف، صنعتی امیرکبیر، شهید بهشتی و آزاد اسلامی دعوت شود که این همکاری تا پایان عمر استاد ادامه داشت. استاد در محیط درس سر زنده بود و دلسوز. این دلسوزی در برخورد وی با دانشجویان - حتی آنگاه که بر این فرزندانش سخت می‌گرفت - بخوبی مشهود بود. از این رو بر این باوریم که آنچه در هشتم آذر ماه ۱۳۷۰ اتفاق افتاد تنها پایان حیات ظاهری او است و استاد حیات روحانی خود را در مدرسه و دانشگاه و هر آنجا که دانش و اهل دانش کرد هم آیند ادامه خواهد داد.

○ کنفرانس بین‌المللی زلزله و بلایای طبیعی

دفتر مطالعات و برنامه ریزی شهرداری تهران در اردیبهشت ماه ۱۳۷۱ اقدام به برگزاری یک کنفرانس بین‌المللی تحت عنوان " بلایای طبیعی " خواهد کرد . هدف این کنفرانس که با همکاری مؤسسات علمی و فرهنگی کشور و وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و همچنین مراکز بین‌المللی تحقیقات و آموزش برگزار خواهد شد بررسی زلزله و سایر بلایای طبیعی در مناطق شهری خواهد بود .

مباحث اصلی مطرح شده در این کنفرانس عبارت خواهند بود :

- ۱- برآورد آسیب پذیری تهران و شهرهای بزرگ در مقابل زلزله و سایر بلایای طبیعی .
- ۲- پیشگیری و کاهش آثار مخرب زلزله .
- ۳- بررسی تأثیرات اقتصادی ، اجتماعی بلایای طبیعی .
- ۴- بررسی امکانات برای آموزشهای همگانی ، ایجاد و حفظ حساسیت لازم در برابر مقابله با بلایای طبیعی از سوی مردم و نهادها .
- ۵- تدوین ضوابط اجرایی در پیشگیری و کاهش خسارات مالی و جانی ناشی از بلایای طبیعی .
- ۶- تدوین برنامه‌های و طرحهای اجرایی جهت مقابله با زلزله .

۷- تدوین برنامه و طرحهای اجرایی جهت دفع سیلاب و آبهای سطحی .

○ نمایشگاه بین‌المللی معماری دهه ۸۰-۹۰

نمایشگاه بین‌المللی معماری دهه ۸۰-۹۰ با شرکت ۴۳ دانشکده معماری از ۲۹ کشور جهان در باغ بینال شهر ونیز ایتالیا و با همکاری بنیاد ماسری ، وابسته به انجمن بین‌المللی معماری ونیز از هشتم سپتامبر لغایت ششم اکتبر ۱۹۹۱ برگزار گردید . در طی این نمایشگاه آثار ارزنده دانشجویان این دانشکده‌ها به نمایش گذاشته شد . همچنین نتایج چندین مسابقه معماری از جمله مسابقه دروازه شهر ونیز در طول این نمایشگاه اعلام و در سالن کشور ایتالیا در معرض دید بازدید کنندگان قرار گرفت .

○ دهمین مسابقه ریبا ۱۹۹۲

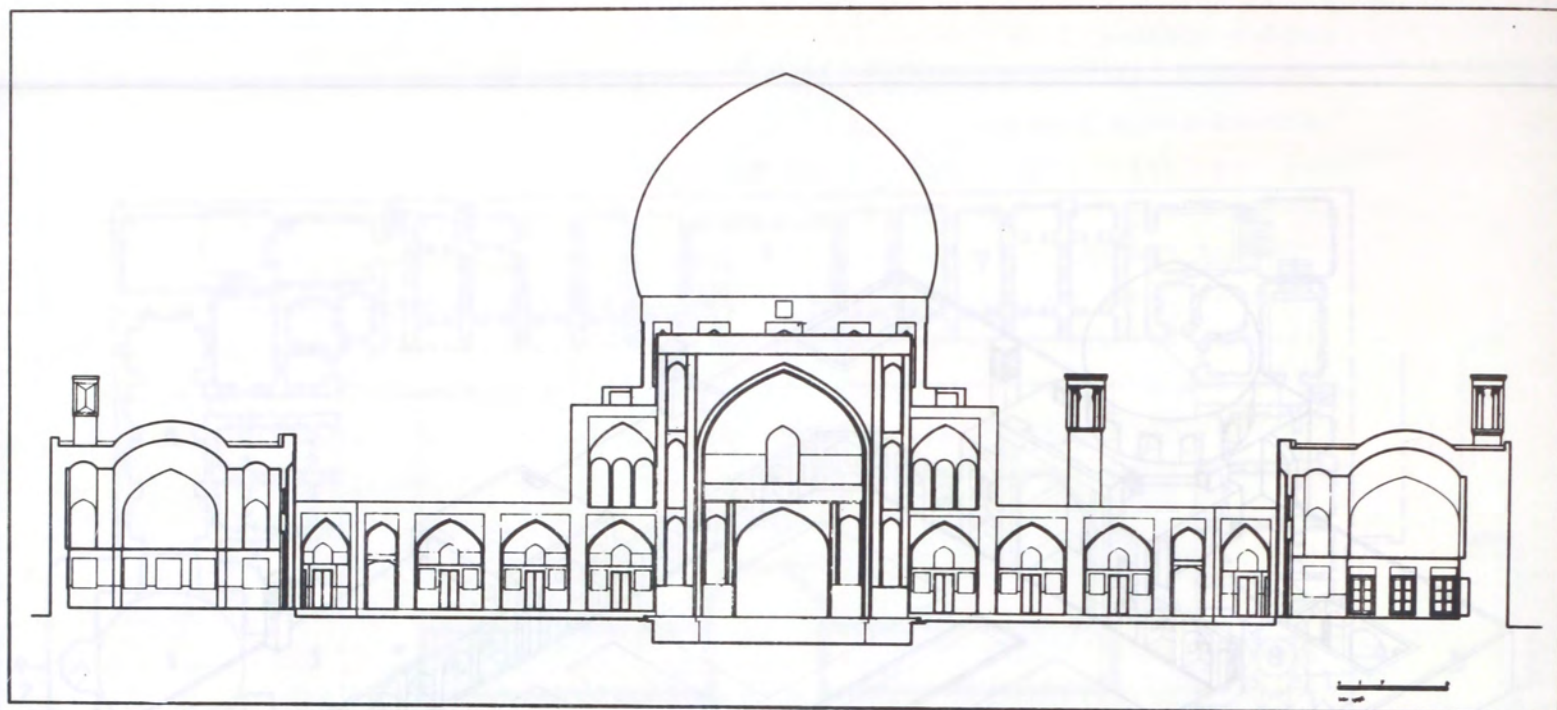
انجمن سلطنتی معماران بریتانیا (ریبا) با همکاری آکادمی سلطنتی هنر و دهمین مسابقه بین‌المللی دانشجویان را برای سال ۱۹۹۲ با طرح مسئله اتصال عناصر

الحاقی به اجزای معماری و شهر اعلام کرد . نتایج این مسابقه در روز ۳۱ ماه مه ۱۹۹۲ همراه با برگزاری نمایشگاهی از آثار برتر در محل آکادمی سلطنتی هنر اعلام و در ویژه نامه‌ای منتشر خواهد شد .

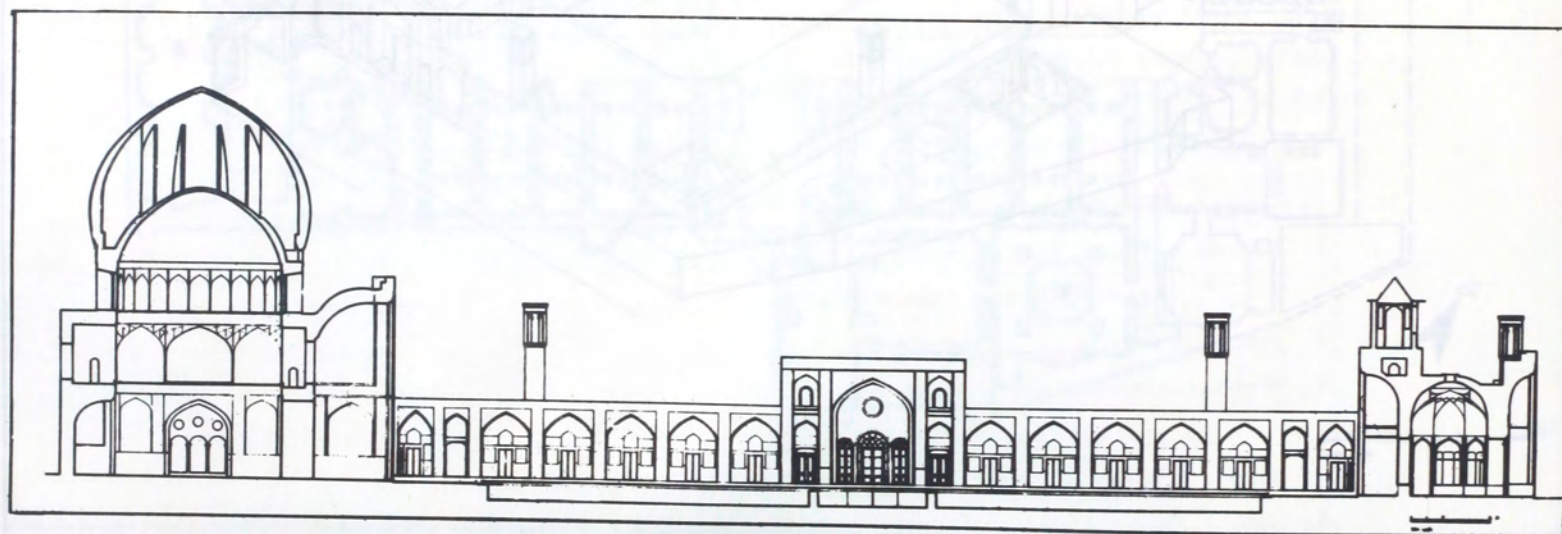
○ بیست و یکمین مسابقه بین‌المللی طراحی دانشجویی

انجمن ملی آموزش معماری آمریکا بیست و یکمین مسابقه بین‌المللی طراحی دانشجویی خود را با طرح مسئله تکمیل کلیسای ساگرادا فامیلیا اثر کنتونیو گائودی در شهر بارسلونا ، اسپانیا برگزار خواهد کرد .

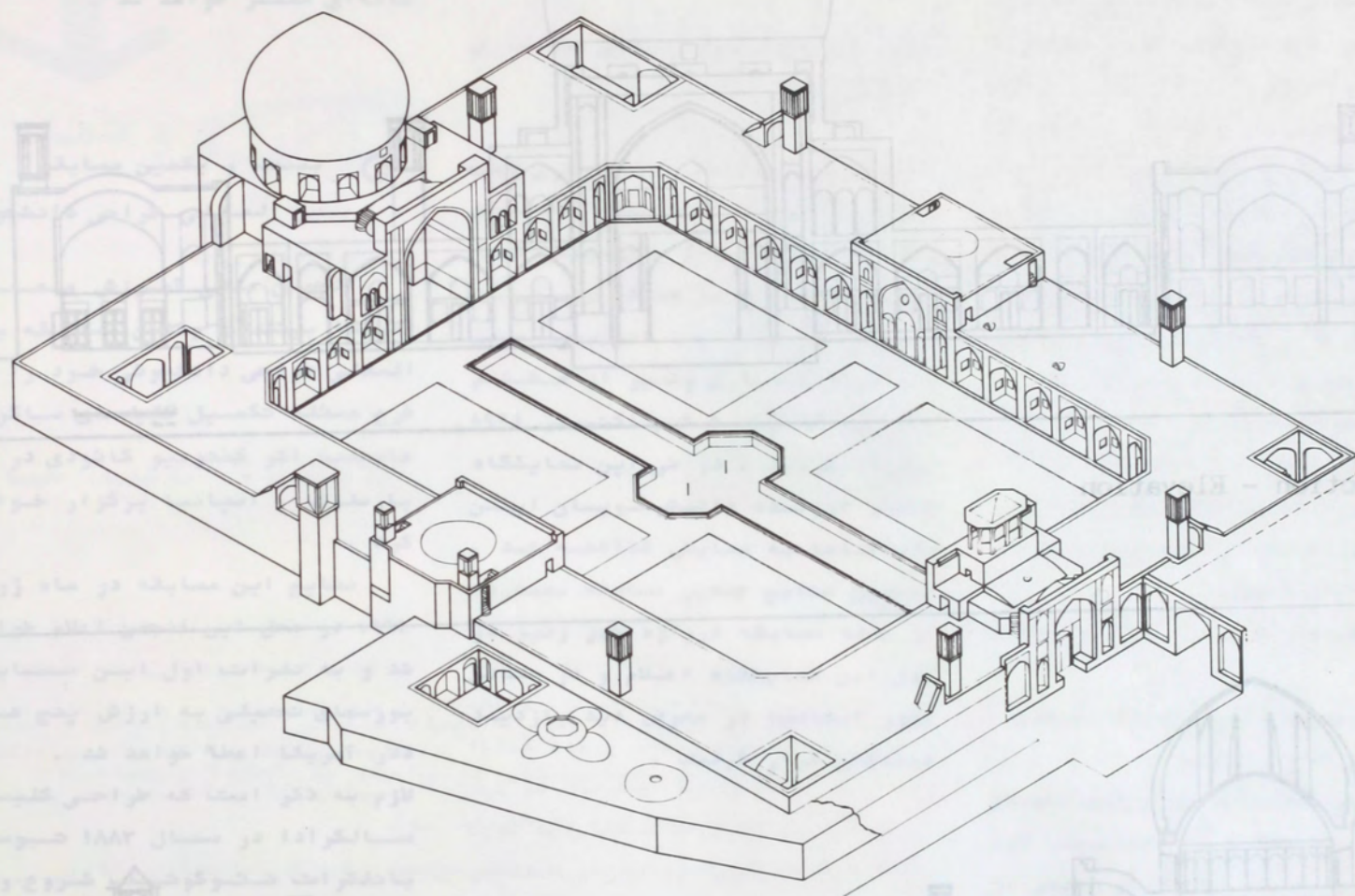
نتایج این مسابقه در ماه ژوئن ۱۹۹۲ در محل این انجمن اعلام خواهد شد و به نفع اول این مسابقه بورسهای تحصیلی به ارزش پنج هزار دلار آمریکا اعطای خواهد شد . لازم به ذکر است که طراحی کلیسای ساگرادا در سال ۱۸۸۲ توسط با تفکرات نئوگوتیک شروع و از ۱۸۸۳ توسط آنتونیو گائودی با تأثیر پذیری از مکتب آرت نوو ادامه یافت ولی مرگ گائودی در سال ۱۹۲۶ از یکسو و جنگهای داخلی اسپانیا (۱۹۳۶-۱۹۳۹) از سوی دیگر منجر به نیمه تمام ماندن کار این بنای عظیم گردید .



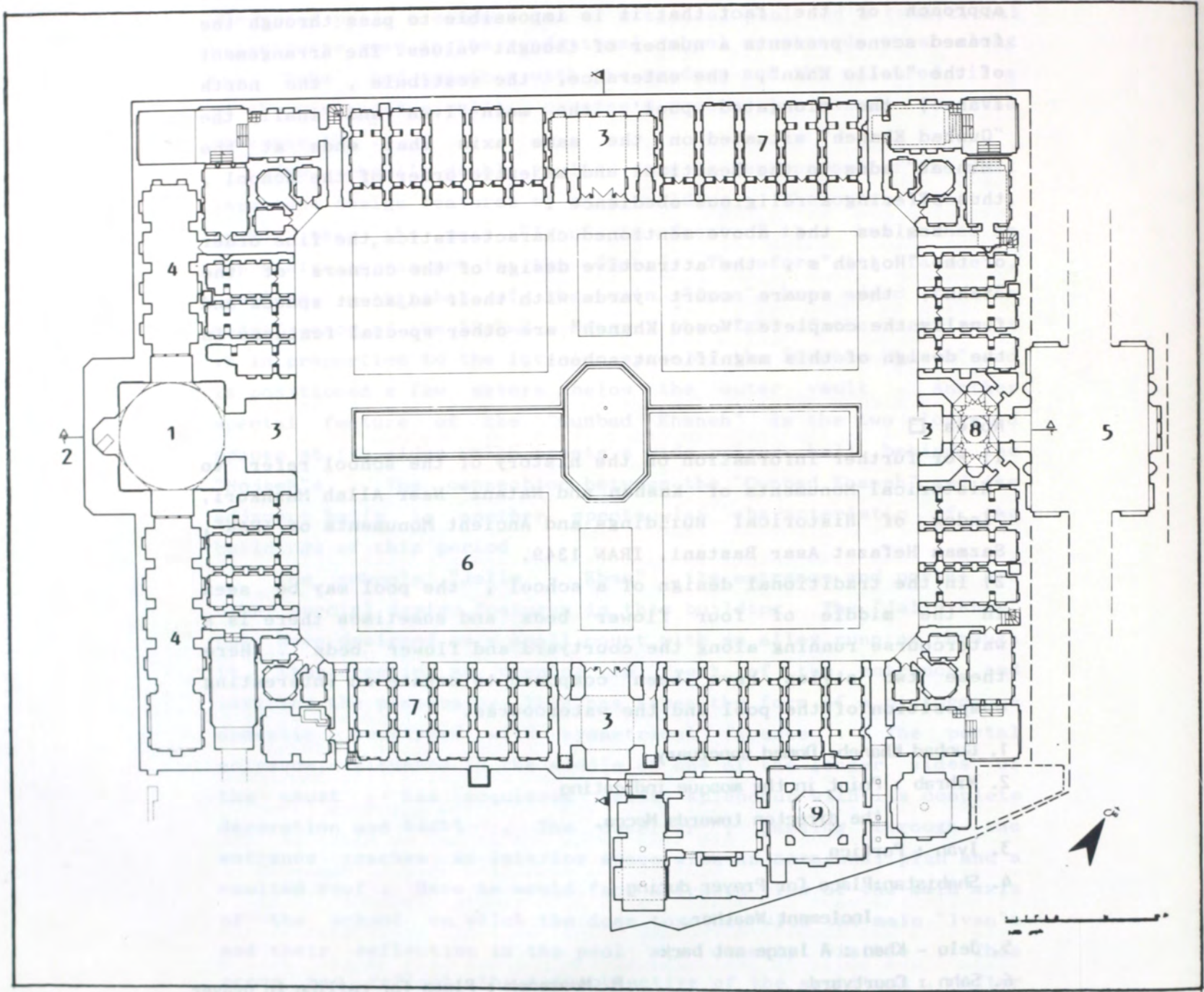
□ Section - Elevation



□ Section - Elevation



□ Isometric Projection



□ Plan

sides of the "Ivan" he chooses . This change in the direction of approach or the fact that it is impossible to pass through the framed scene presents a number of thought values. The arrangement of the "Jello Khan", the enterance, the vestibule , the north Ivan , the elongated pool', the main "Ivan" and finally the "Gunbad Khaneh" situated on the same axis that ends at the "Mihrab" adds to the beautiful and majestic order of the school , thus offering a religious obedience .

Besides the above mentioned characteristics, the fine order of the "Hojreh"s , the attractive design of the corners of the "Sahn", the square court yards with their adjacent spaces and finally the complete "Vosou Khaneh" are other special features in the design of this magnificent school .

Notes □

1) For further information on the history of the school refer to "Historical Monuments of Kashan and Natanz" Nasr Allah Mashkori, "Index of Historical Buildings and Ancient Monuments of IRAN", Sazman Hefazat Asar Bastani, IRAN 1349.

2) In the traditional design of a school , the pool may be seen in the middle of four flower beds and sometimes there is a watercourse running along the courtyard and flower beds . Here these two styles have been composed to create an interesting composition of the pool and the watercourse.

1. Gunbad Khaneh: Domed sanctuary

2. Mihrab : Point in the mosque indicating
the directon towards Mecca.

3. Ivan : Portico

4. Shabistan: Place for Prayer during
Inclement Weather.

5. Jelo - Khan : A large set back

6. Sahn : Courtyard

7. Hojreh : Resting chamber

8. Moazeneh : Place for calling to prayer

9. Vosou Khaneh : Place for abulition